

نمادهای ایران باستان

گردآوری و تألیف:

عبدالعلی پارسا زاده



انستیتوت آرمین

سرشناسه	: پارسا زاده، عبدالعلی، ۱۳۲۸
عنوان و نام پدیدآور	: نمادهای ایران باستان / مولف: عبدالعلی پارسا زاده
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۵۴۰ ص، مصور
شابک	: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۳۱ - ۳۱۸ - ۱
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: نشانه‌های ملی - ایران
موضوع	: ایران - تاریخ - پیش از اسلام - مطالب گوناگون
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۴ پ ۲ ر ۹ / DSR۶۵
رده‌بندی یو یو	: ۹۵۵/۰۰۴۴
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۴۰۶۹۷۴۰



انتشارات آرون

نمادهای ایران باستان

مولف: عبدالعلی پارسا زاده

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۲۰۰ نسخه

۴۹۰۰۰ تومان

فهرست

۱۹	پیشگفتار
۲۰	ویژگی نمادها
۲۱	تعریف اسطوره
۲۳	اهمیت بحث در نمادها
۲۳	جایگاه نمادها
۲۵	معرفی نماد آرم نشانه و لوگو
۳۱	فصل نخست
۳۱	نماد چیست؟
۳۲	نماد چیست؟ «معنی نماد چیست؟»
۳۳	عناصر تشکیل دهنده نماد
۳۳	نمادهای قراردادی
۳۴	نمادهای صوتی
۳۴	نمادهای حسی
۳۴	نحوه تولید و کاربرد نماد
۳۶	کارکرد نمادها برای کنشگر
۳۶	تأثیر و ابهام نمادها
۳۷	اثرات نمادگرایی در مشارکت اجتماعی
۴۱	نماد هفتاد و دو (۷۲) و دامنه آن

۴۳	تصویر ۴۰ هزار ساله انسان بالدار در تیمره خمین
۴۵	نماد مقدس تاریخ ایران
۴۶	مجسمه انسان بالدار در کاخ دروازه که متعلق به کوروش کبیر است
۵۲	تقدس نماد (انسان بالدار) در کتاب مقدس یهودیان
۵۲	نوشتار اصلی: ریشه نام کوروش
۵۷	اطلاعات فیزیکی نماد بین‌المللی
۵۸	تاریخچه پیداسازی
۵۹	شرح نحوه ساخت نماد (ساخت منشور)
۶۰	نمادی که نخستین بیانیه حقوق بشر در جهان شد
۶۰	در رویداد، مه نبوتید
۶۱	برگردان
۶۱	نماد منشور کوروش را بیان
۶۲	ترجمه استوانه حقوق بشر در روش زبان ویلرز
۶۲	نماد استوانه کوروش در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله
۶۷	جنگ با مادها
۶۷	نبردهای کوروش کبیر
۶۹	فروپاشی فرمانروایی لیدیه
۶۹	موقعیت لیدیه و مرز آن با ماد
۷۴	تسخیر شرق و غرب ایران و آسیای میانه و عیلام (عیلام)
۷۵	فتح بابل
۷۵	وسعت امپراتوری هخامنشیان در دوران کوروش بزرگ
۷۸	پس از فتح بابل
۷۹	نبرد با ماساگت‌ها و مرگ
۸۱	شخصیت نمادین کوروش و میزان رفعت او
۸۱	جایگاه کوروش در کتاب تورات
۸۱	خیابان کوروش در اورشلیم
۸۳	دین کوروش
۸۵	نماد مقدس ذوالقرنین (کوروش کبیر)
۸۸	عزرائنامه و اردشیرنامه
۸۹	کوروش بزرگ در قرآن
۹۱	میزان عزت نفس کوروش مورد ستایش دوست و دشمن در جهان

۹۳	موضوع پاتنه آ در تاریخ غرب
۹۴	کوروش در روایات شفاهی ایران
۹۶	مقایسه محتوی منشور با دیگر اسناد در تورات
۹۶	در رویدادنامه نبونید
۹۹	کوروش کبیر در قرآن
۱۰۲	اندرزهای «پدر بزرگ ایران زمین»
۱۰۳	نماد کوروش در کتاب های تاریخ مسلمانان
۱۰۳	نماد باستانی (بناها و کاخ ها)
۱۰۳	کاخ اختصاصی کوروش در پاسارگاد
۱۰۴	نمادها - دیوار نیشته ها
۱۰۵	فروهر - باوری زرتشتیان
۱۰۵	تاریخچه
۱۰۶	نماد مقدس فروهر
۱۰۸	فصل دوم
۱۰۸	نماد نوروز، هفت سین
۱۰۸	عدد هفت در قدیم
۱۱۰	نماد نوروز و هفت سین
۱۱۳	فلسفه عدد مقدس هفت نزد ایرانیان
۱۱۴	هفت باور نیک ایرانیان باستان
۱۱۷	نفوذ هفت مقدس ایرانی در نزد ملت های دیگر
۱۱۷	نفوذ عدد مقدس هفت ایرانی در دین اسلام
۱۱۸	هفت شهر عشق عطار نیشابوری
۱۲۴	فهرست اعداد - اعداد طبیعی
۱۲۴	جادوی هفت
۱۲۵	هفت طبقه جهنم
۱۲۵	هفت گناه کبیر
۱۲۶	هفت علم انسانی (علوم سبعة)
۱۲۶	عجایب هفتگانه طبیعی
۱۲۶	هفت هنر
۱۲۶	هفت مرد فرزانه

۱۲۷	هفت دریا
۱۲۷	هفت حس
۱۲۷	هفتمین پسر از هفتمین پسر
۱۲۷	عجایب هفتگانه
۱۲۷	عجایب هفتگانه قرون وسطی
۱۲۹	هفت آتشکده
۱۲۹	هفت آسمان
۱۲۹	هفت انما
۱۲۹	هفت ایل
۱۲۹	هفت سال قحط مصر
۱۲۹	هفت امشاسپندان
۱۳۰	هفت بازی نرد
۱۳۰	هفت باطن
۱۳۰	هفت پرده چشم
۱۳۰	هفت تنان
۱۳۰	هفت دستگاه موسیقی
۱۳۱	هفت سنگ
۱۳۱	هفت فلز
۱۳۱	هفت قسم فعل در زبان عربی
۱۳۱	هفت نت موسیقی
۱۳۱	هفت اقلیم
۱۳۱	هفتایبجار
۱۳۲	هفت ایل قزلباش
۱۳۲	موارد دیگر
۱۳۲	هفت خوان
۱۳۳	۷ نماد (امشاسپندان)
۱۳۴	نمادهای سنت دینی در ایران باستان
۱۳۵	نبرد دو نماد خیر و شر
۱۳۵	رده‌بندی نمادها (امشاسپنداها)
۱۳۶	نمادها در تقویم زرتشتی
۱۳۷	۷ نماد یا امشاسپندان در گاهان

۱۳۷	پوروچیستا دختر زرتشت پیامبر (جایگاه هفت در دین اشوزرتشت)
۱۳۹	راز و رمز نمادین عدد هفت
۱۴۲	جشن نوروز در حضور کوروش کبیر
۱۴۵	چقدر پیام حاجی فیروز را می‌شناسیم
۱۵۷	هفت سین نماد جشن‌های ایرانیان
۱۵۷	سایر اجزاء
۱۵۸	پیشینه
۱۶۰	نگارخانه
۱۶۰	معنا، مفهوم و نماد سین‌های سفره هفت سین چیست؟
۱۶۷	نمادین‌ترین روزی از زبان دکتر حسایی
۱۷۰	فصل سوم
۱۷۰	مقدمه
۱۷۰	چرا زبان یکی از مهم‌ترین مادی‌هاست؟
۱۷۱	زبان آریاییان (نماد ملی ایران)
۱۷۱	تاریخ زبان فارسی از آغاز تا اسام
۱۷۲	زبان مادی «نماد مادی»
۱۷۴	اوستا و زند
۱۷۸	زمان زرتشت
۱۷۸	فارسی باستان
۱۷۸	پهلوی
۱۸۰	زبان سُغدی
۱۸۱	زبان دری
۱۸۲	قدیمی‌ترین نماد ملی (آثار زبان ایران)
۱۸۸	قدیمی‌ترین آثار پهلوی اشکانی
۱۸۹	آثار پهلوی جنوبی
۱۹۳	جایگاه زبان ایران باستان در ردیف نخست جهانی
۱۹۴	آریایی درست است یا (هندواروپایی)
۱۹۵	وجه مشترک زبان پارسی و هند «آریایی»
۱۹۶	خط و زبان پهلوی
۱۹۸	نماد ملی (زبان و خط) در حکومت‌ها

۲۰۱	معانی آریایی (آزاده و پاک‌نژاد)
۲۰۶	زبان فارسی
۲۰۷	جایگاه زبان فارسی
۲۰۹	پیشینه زبان فارسی
۲۱۰	زبان فارسی در دوران باستان و دامنه آن
۲۱۲	زبان فارسی در دوره میانه
۲۱۳	فارسی میانه
۲۱۴	فارسی نو
۲۱۶	فردوسی نامی فرهنگ و زبان فارسی
۲۱۹	فردوسی کیست؟ نظم‌های بزرگ است؟
۲۲۰	فقط شاعر و یا حکیم بزرگ؟
۲۲۱	تنگ‌دستی حکیم فردوسی
۲۲۴	کودکی فردوسی و شکل‌گیری شاهنامه
۲۲۴	شاهنامه شناسنامه و هویت ایران و ایران
۲۲۵	دقیقی، اولین شاهنامه‌سرا
۲۲۵	منابع شاهنامه
۲۲۵	نگرانی فردوسی
۲۲۶	حامی قدرشناس
۲۲۶	رنج سی ساله
۲۲۷	دربار سلطان محمود
۲۲۷	وفات فردوسی
۲۲۸	مذهب فردوسی
۲۳۱	کاخ بلند فردوسی
۲۳۳	تصویرسازی
۲۳۴	بخش‌های اصلی شاهنامه
۲۳۴	دوره اساطیری
۲۳۵	دوره پهلوانی
۲۳۵	دوره تاریخی
۲۳۶	زبان علمی فارسی
۲۳۶	متن فارسی کتاب صورالکواکب در دانش اخترشناسی سده ششم میلادی

۲۴۲	فصل چهارم
۲۴۲	رستم ناجی فرهنگ و هویت ایرانی
۲۴۲	تولد رستم اسطوره ایرانی
۲۴۳	چکیده تاریخیچه فروهر
۲۴۴	مفهوم نماد پر رمز و راز «فره وهر»
۲۴۷	نمادهای ایران باستان
۲۴۷	آناهیتا
۲۴۸	نمای آناهیتا بر روی یک سر ستون در موزه سنگ تاق بستان
۲۵۰	شیر خوسید
۲۵۲	عقاب طلایی
۲۵۳	عقاب یکی از نمادها باستانی ایران
۲۵۳	جام جهان‌نمای
۲۵۷	کاومیر
۲۵۸	جایگاه درخت در ایران باستان
۲۵۹	درخت در اسطوره‌های مختلف ملل
۲۶۰	درخت در اسطوره‌های ایرانی
۲۶۰	گیاهان مقدس
۲۶۲	نماد نیلوفر و فلسفه آن
۲۶۳	نمادهای باستانی
۲۶۳	اساطیر ایران
۲۶۴	نیلوفر آبی نماد هخامنشیان
۲۶۴	نیلوفر آبی نماد آیین زرتشتی
۲۶۶	نیلوفر در جهان باستان نماد چه بوده است؟
۲۶۸	بز کوهی نماد ایران باستان
۲۷۱	نقش شادی در زندگی انسان
۲۷۱	مقدمه
۲۷۳	جشن‌های نمادین در ایران باستان
۲۷۳	جشن‌های ایران باستان
۲۷۴	گاه‌شماری در ایران باستان
۲۷۵	روزهای همنام با دوازده ماه و جشن‌های ماهانه

۲۸۰	جشن‌های شش گانه گاهنبار
۲۸۲	جشن‌های آتش
۲۸۲	جشن سده
۲۸۳	نوروز و جشن‌های مربوط به نوروز
۲۸۳	نوروز کوچک
۲۸۴	نوروز بزرگ یا خردادروز
۲۸۴	مراسم ایرانیان باستان در نوروز
۲۸۴	خوان نورانی
۲۸۵	کاشت حبوبات جهت تغال زدن
۲۸۵	جشن و مراسم آب‌دوش
۲۸۶	هدایای نوروزی
۲۸۶	کوسه برنشین
۲۸۶	میر نوروزی
۲۸۷	مراسم بارعام نوروزی

فصل پنجم

۲۸۹	نمادها در کیش ایران باستان (نیاکانمان)
۲۸۹	درفش شکوهمند و سرفراز کاویانی چیست؟
۲۹۲	تاریخ‌نویسان درباره درفش کاویانی چه می‌نویسند؟
۲۹۳	درفش کاویانی چگونه برپا گردید؟
۲۹۵	رنگ‌های درفش کاویانی
۲۹۵	درونمایه رنگ‌های درفش سرفراز کاویانی چیست؟
۲۹۶	بزرگان تاریخ ایران زمین
۲۹۶	هوتن و قیام هفت یار
۲۹۶	قیام هفت یار
۲۹۸	درس عبرت کمبوجیه به هوتن
۲۹۸	رسیدن هوتن به فرماندهی سپاه
۲۹۸	چکیده کیش زرتشتی و نمادهای مقدس
۳۰۰	نمادهای یکتاپرستی
۳۰۱	نماد آتشکده «نقش آتش در هستی»
۳۰۳	نماد نماز در آیین زرتشتی

۳۰۳	کعبه زرتشت
۳۰۷	هنر و معماری ایران
۳۰۸	کاربرد چلیپا در دوره‌های مختلف
۳۰۹	آیین مهر
۳۱۰	استفاده تاریخ در جهان
۳۱۰	استفاده در کشورها
۳۱۲	پس از جنگ جهانی دوم در کشورهای غربی
۳۱۳	سواستیکا
۳۱۴	نمادشناسی
۳۱۴	ریش‌شناسی واژه
۳۱۵	نمادپرازی
۳۱۷	سابقه ۷۰۰۰ ساله چلیپا در ایران
۳۲۰	ایران آریایی سرزمین سیاه
۳۲۴	صلیب سرخ
۳۲۵	آدولف هیتلر
۳۲۶	نمادهای مقدس و ملی ایران باستان
۳۲۶	نماد هخامنشیان (پیکر بالدار) حکاکی در تخت جمشید
۳۲۶	ریشه‌شناسی
۳۲۷	تاریخچه
۳۲۷	نماد فروهر
۳۲۸	خلاصه‌ای از نمادهای ملی ایران
۳۲۸	آتش‌های مقدس زرتشتی
۳۲۸	پیشینه آتش در باورهای ایران باستان
۳۲۹	نماد مقدس آتش در دین زرتشتی
۳۲۹	آتش‌های اساطیری (نمادین در آتشکده‌ها)
۳۲۹	ویرانه‌های آتشکده آذرگشنسب در آذربایجان غربی
۳۳۰	آتش آذرگشنسب
۳۳۰	آتش آذرفرنغ
۳۳۰	آتش آذربرزین مهر
۳۳۱	آتش‌های آیینی
۳۳۱	آتش وهرام

۳۳۱	آتش آدوران
۳۳۱	آتش دادگاه
۳۳۲	جشن آذرگان
۳۳۲	آتشکده «آتش بهرام در یزد»
۳۳۲	نماد مقدس آتش های مینوی «پنج آتش مقدس»
۳۳۲	آتش در ایران باستان
۳۳۶	ایزد خورشید در ایران
۳۳۷	اشتقاق هوا و خورشید
۳۳۷	خورشید در زور دین یشت
۳۳۷	خورشید در رشن یشت
۳۳۸	خورشید در آبان یشت
۳۳۸	خورشید در هفت هست
۳۳۸	خورشید در یسنا
۳۳۹	خورشید در گاهان
۳۳۹	خورشید در خرده اوستا
۳۴۱	خورشید در وندیداد
۳۴۲	خورشید در ویسپرد
۳۴۲	هور در بندهشن
۳۴۴	نامها و نمادهای خورشید
۳۴۵	ایزد خورشید در وداها
۳۴۵	چلیپای شکسته از تمدن هند
۳۴۵	خدایان خورشیدی و آفتابی
۳۴۶	خورشید در قرآن و از دیدگاه ادیان ابراهیمی
۳۴۸	نماد تثلیث در هند (تثلیث نمادین)
۳۵۰	ویشنو
۳۵۰	خورشید در اساطیر هند
۳۵۲	نامهای خورشید
۳۵۲	نمادی که نشان خورشید بوده‌اند
۳۵۳	تقدس خورشید در میان اقوام مختلف
۳۵۴	نماد اسطوره‌ای سیمرغ
۳۵۹	سکه‌های دوره هخامنشی با نام دریک

۳۶۱	شیر و خورشید نماد ملی ایران
۳۶۲	شیر و خورشید
۳۶۳	نشان شیر و خورشید در بنایی از سال ۱۲۸۰ شمسی
۳۶۴	ریشه‌های نشان شیر و خورشید
۳۶۵	ریشه در سنت‌های سامی
۳۶۵	در سنت‌های ایرانی
۳۶۶	تأثیر در سنت‌های اسلامی، ترکی و مغولی
۳۶۷	دوران سلسله‌های ترک
۳۶۷	دوران گریانان هند
۳۶۷	نخستین طرح‌های شیر و خورشیددار
۳۶۸	دوران صفوی
۳۷۰	دوران افشار و زند
۳۷۰	دوران قاجار
۳۷۱	تغییرات گسترده در شکل و تعبیر شیر و خورشید
۳۷۲	دوران زمامداری ناصرالدین شاه
۳۷۲	پس از انقلاب مشروطه و دوران بهری
۳۷۴	نماد گاو
۳۷۸	جانوران در اسطوره‌شناسی یا جانوران مقدس
۳۷۸	جایگاه مقدس حیوانات در ایران باستان (مار)
۳۸۰	سیمرغ
۳۸۳	اژدها
۳۸۳	گاو یا اسب تک شاخ
۳۸۳	هما
۳۸۴	پری دریایی کوچولو
۳۸۵	در متن‌های فارسی
۳۸۶	علامت ستاره که بر روی کلاه کوروش کبیر است
۳۸۸	نام‌های اصیل ایرانی
۳۹۴	اسامی و یا نام‌های پسران
۴۰۸	اسامی و یا نام‌های دختران

فصل ششم

۴۲۴	نمادشناسی
-----	-----------

۴۲۴	پیشگفتار
۴۲۵	ریشه واژه اسطوره «نماد»
۴۲۹	هفت مقام نمادین از میترائیسم
۴۲۹	زادروز اسطوره‌ای مهر
۴۲۹	قربانی کردن گاو
۴۳۰	معجزه
۴۳۰	معجزه شکار
۴۳۰	شام آخر
۴۳۱	عروج مهر
۴۳۱	رستاخیز
۴۳۲	مقام اول
۴۳۳	مقام دوم
۴۳۴	مقام سوم
۴۳۵	مقام چهارم
۴۳۶	مقام پنجم
۴۳۷	مقام ششم
۴۳۷	مقام هفتم
۴۳۹	آناهیتا
۴۳۹	پیشینه آناهیتا
۴۴۱	واژه
۴۴۱	پرستشگاه‌ها
۴۴۲	حماسه
۴۴۲	نقش برجسته عیلامی
۴۴۳	اهوره مزدا وانگره مینو
۴۴۴	ایزدان و امشاسپندان نمادهایی با فرح ایزدی
۴۴۵	اسطوره‌های آفرینش و پایان جهان
۴۴۵	سه هزار سال نخست
۴۴۶	سه هزار سال دوم
۴۴۶	سه هزار سال سوم
۴۵۴	سه هزار سال چهارم
۴۵۴	اسطوره‌های نمادین تاریخ ایران باستان

۴۵۴	پیشدادیان
۴۵۴	کیانیان
۴۵۵	آناهیتا
۴۵۶	اسفندیار
۴۵۶	آرمیتی (اسپندارمذ)، اخلاص
۴۵۷	وهورمته (بهمن)، اندیشه نیک
۴۵۷	ثریته (آثرط)، ثریتونه (فریدون)
۴۵۸	هوشنگ و تخمورو (= تهمورث)
۴۵۸	یمه (جر)
۴۵۹	رست
۴۵۹	سیاوش
۴۵۹	فریدون
۴۶۱	کاوه آهنگر
۴۶۱	کیومرث
۴۶۱	اهوره مزدا، سروردانا
۴۶۲	سروش (سروش)، فرمانبرداری
۴۶۲	گرساسپه (گرساسب)
۴۶۳	هوروات (خرداد) و آمرتات، (مرداد) کمال و بی مرگ
۴۶۳	خشنره ویریه (شهریور)، شهریارِ مطلوب
۴۶۳	ایزدان، یا موجودات ستونی
۴۶۴	شه (اردیبهشت)، راستی
۴۶۵	تنسر
۴۶۵	طهمورث یا تهمورث یا تهمورس
۴۶۵	جمشید
۴۶۶	جاماسب
۴۶۶	آمیختگی تاریخ اساطیر و تاریخ واقعی
۴۶۷	اسطوره‌های ایران زمین
۴۶۷	آذرباد
۴۶۷	آذربرزین
۴۶۷	آذرکیوان
۴۶۷	زرتشت اسپیتمان

۴۶۸	کوروش پدربزرگ ایران زمین
۴۶۹	کوروش و نخستین بیانیه حقوق بشر
۴۷۰	متن کامل منشور کوروش بزرگ (از رضا مرادی غیاث‌آباد)
۴۷۵	سخن‌های گزنفون درباره کوروش
۴۷۶	آریه
۴۷۶	کمبوجیه دوم
۴۷۶	لشکرکشی به مصر
۴۷۷	کانال سوئز نماد داریوش
۴۷۸	داریوش یک
۴۸۷	تقسیم قلمرو شاهنشاهی به چندین ساتراپ
۴۸۸	ایجاد راه شاهی
۴۸۸	ایجاد سپاه جاویدان
۴۸۸	تنظیم مالیات‌ها
۴۸۹	چگونگی ساخت کانال سوئز در زمان داریوش
۴۹۲	سنگ‌نبشته‌ها و فرمان داریوش بزرگ در ساخت آرامگاه بزرگ سوئز در مصر
۴۹۶	ترجمه فارسی سنگ‌نبشته پارسی باستان در سوئز
۵۰۰	سیاست دینی
۵۰۱	آرامگاه داریوش «بارگاه داریوش»
۵۰۱	وصیت‌نامه داریوش
۵۰۴	آرامگاه داریوش بزرگ در استان فارس شهرستان مرودشت
۵۰۵	آتش در کاخ
۵۰۶	خشیایارشا
۵۰۶	خشیایارشا در عهد عتیق
۵۰۷	آرش کمانگیر نمادین
۵۰۷	آرتمیس
۵۱۰	یادواره
۵۱۷	طاق کسری
۵۱۸	ویژگی و تاریخچه بنا
۵۲۱	روند تخریب بنا
۵۲۵	طاق کسری در ادبیات فارسی
۵۲۸	درخواست کمک عراق از ایران برای ترمیم طاق کسری

۵۲۸	نجات طاق کسری به وسیله ایران با کمک یونسکو
۵۳۰	تخت طاقدیس
۵۳۱	مختصری درباره ساختن ایوان مذائن
۵۳۲	فلک الافلاک

۵۳۵	منابع و مأخذ
۵۴۰	منابع عربی

جهان را بلندی و پستی تویی
ندانم چه ای هر چه هستی تویی

پیشگفتار

تعریف: نماد در لغت به معنای نمود است که جایگاه فاعلی (ظاهرکننده) دارد. بنابراین نمود مترادف ظاهر و تجلی، آشکار و هویدا است که همگی بیانکننده یک معنای واحد هستند که هر کدام بامعنی و معین و خاص خود را در پی داشته و دارند.

تعریف اصطلاحی نماد عبارت است از مفهومی که دربر دارنده تصویری رساننده از معانی سری و رمزی و یا فرازمین است. به بیشتر جنبه تخیل به خود گرفته باشد. مع الوصف خوب می دانیم که شناسنامه هر کس معرف هویت آن کس می باشد، پرواضح است که شناسنامه و هویت هر قوم و ملت یا هر ملتی نیز از طریق نمادهایش مشخص می گردد. جامعه و ملتی که فاقد نماد است در حقیقت فاقد هویت و شناسنامه است. ضرب المثلی داریم که می گوید علف بر روی ریشه سرخس شود و یا می دانیم قامت بلند هیچ درختی بدون ریشه قادر به بقاء و ایستادن نیست. واقع ریشه، بن و اساس هویت یک ملت است، ملتی که ریشه و یا بن نداشته باشد در حقیقت پدر و مادر و هویت ندارد، بی بن و بی پایه محسوب شده، ماهیتش مشکوک و بی اعتبار می باشد.

به عنوان مثال نگاهی می افکنیم به کشورهایی مانند لیبی و سودان مصر که به مرور زمان نمادهایشان از جمله زبان که یکی از مهم ترین نماد فرهنگی محسوب می شود نابود شد و این گونه بی هویت گردیدند، تا آنجا که هیچ نشانی از هویت و تمدن و فرهنگ گذشته خود نداشته باشند و این مصداق بی ریشه گی و بی هویتی است.

ویژگی نمادها

یکی از این ویژگی‌ها، قدرت تداعی معانی است زیرا نمادها این امکان را برای مخاطبین ایجاد می‌کنند که به واسطه رابطه دال و مدلول ارتباط طرفینی برقرار کنند و این پدیده در ذهن مخاطب به وجود می‌آید. این قدرت تداعی معانی حالتی را ایجاد می‌کند که میزان تأثیر نمادها براساس آن در جریان اندیشه شکل می‌گیرد و هرچه این حالت گسترده و نفوذ آن عمیق‌تر باشد، ارزش تأثیرگذاری و اهمیت آن بیشتر می‌شود. در اینجا باید دید که به واسطه تداعی معانی ایجاد می‌شود عبارت است از ارتباط و پیوند دو مفهوم به گونه‌ای که ذهن با در نظر گرفتن هر یک از آن دو به دیگری منتقل می‌شود.

قدرت تداعی معانی نقش و جایگاه نمادهای جامعه بشری حتی دینی و مذهبی را که موضوع بحث ما است تعیین می‌کند و به گفته برخی از دانشمندان، نماد در جامعه، مکتب و مذهبی مشکل دارد پایدار و تأثیرگذارتر است که حالت تداعی معانی که به واسطه نمادها ایجاد می‌شود، بر آن قوی‌تر باشد.

شاید بتوان گفت که معادل این واژه یعنی نماد که ایجاد این معنا را می‌کند، در فرهنگ دینی از آن به عنوان شعائر مذهبی نام برده شود. این شعائر دینی که در قالب آداب و مناسک و اعمال مذهبی به یک جریان فکری و اعتقادی تبدیل شده‌اند به عنوان مفهوم عام دربردارنده موضوع بحث ما می‌شود که در این صورت همه دستورات که سابقه شرعی به خود می‌گیرد، صرف‌نظر از اینکه نام واقعی و یا غیرواقعی است، حرکات و افعال نمادینی هستند که با توجه به آنها، قالب محتوایی آن شکل می‌گیرد.

ویژگی دوم پر رمز و راز بودن آن است که حاکی از امر سری و درونی است و هرچه دایره آداب و افعال در فرهنگی و یا مذهبی وسیع‌تر باشد نشان از گستردگی و عمیق‌تر بودن شکل درونی آن است که به تعبیرات دینی از آن به حکمت و فلسفه تعبیر می‌شود و براساس این حکمت و فلسفه اعمال و عبادات شرعی به صورت نمادین انجام می‌پذیرد که در این صورت دربردارنده مفهوم و ایده‌ای می‌شود که آن را از سایرین متمایز می‌کند.

براساس این تعریف می‌توان گفت که همانطوری که تاریخ را قهرمانان و برجستگان و اسطوره‌های آن جامعه می‌سازند، نماد هم همان‌گونه است. نمادها دارای دو ویژگی مهم و اساسی هستند^۱ که با این دو خصوصیت جایگاه واقعی نمادها به دست می‌آید.

تعریف اسطوره

در برخی فرهنگ‌ها، اسطوره (اساطیر) یعنی «آنچه خیالی و غیرواقعی جنبه افسانه‌ای محض دارد»؛ اما اسطوره را باید داستان و سرگذشتی معنوی دانست که شرح عمل، عقاید، نهاد یا پدیده‌ای طبیعی است که دست کم بخشی از آنها از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارد. در اسطوره سخن از این است که چگونه هر چیزی پدید می‌آید و به هستی خود ادامه می‌دهد. علم اسطوره‌شناسی بر بررسی اساطیر می‌پردازد.

واژه اسطوره: اسطوره‌شناسان غرب است که از واژه یونانی هیستوریا (historia) به معنی «جستجو، آگاهی، داستان» گرفته شده است. برای بیان مفهوم اسطوره در زبان‌های اروپایی از بازمانده واژه یونانی می‌توس (mytos) به معنی «شرح، خبر، قصه» استفاده شده است. (برگرفته از تاریخ اساطیر ایران، دکتر ژاله آموزگار). آنچه مسلم و آشکار است قرابت و اشتراک اسطوره‌ها با نمادهاست. در تمام موارد برای این دو مفاهیم کارکردی مشابه ارائه داده شده است، در هر دو مورد (نماد و اسطوره) جنبه اسطوره‌های افسانه‌ای هستند که نقش ماورایی به خود اختصاص داده و همچنین است نمادهایی که جهت اعتقادی و باوری پدید آورده و جایگاه معنوی و مقدس پیدا کرده نیز مشاهده می‌گردد. به هر حال همانطوری که قهرمانان تاریخ را می‌سازند و مبدل به اسطوره می‌شوند، اسطوره‌ها هم چه افسانه‌ای و چه اعتقادی و ماورائی بخشی از تاریخ را به خود اختصاص داده‌اند. از جمله اساطیر ایران که به مجموعه اسطوره‌های ایرانیان اشاره می‌دارد. این اسطوره‌ها ریشه آریایی داشته و تا میزان بسیاری بالایی میان اقوام ایرانی و هندی وجه اشتراک دارد. آنچه از اساطیر کهن ایرانی امروزه باقی مانده

۱. اول نمادهای پنداری، دوم نمادهای واقعی.

بیشتر به اوستا بازمی‌گردد. ولی هر یک از اساطیر باستانی ایران زمین نماد چیز خاصی هستند.

اندیشه انسان طی تاریخ همواره در مقابل ناشناخته‌هایی هم چون آفرینش و مرگ و قدرت‌های عظیم طبیعی نظیر آتش، طوفان و سیل قرار گرفته و در بستر نیاز به درک هر آنچه خارج از توانایی و دسترسی بوده، خدایان و اسطوره‌های قدرتمند پا به عرصه ذهن نهاده و کنترل نیروهای هستی‌بخش و یا اهریمنی را در دست گرفته‌اند.

سمبل یا نمادها نیز در بیانی ساده، نماد خالصی از چرخه زندگی و مرگ و تصویر مسائل با اهمیت زندگی انسان‌ها در قالبی موزون و روان بوده‌اند.

تمدن‌های کهن ایران و هند به سبب گستردگی و قدمت از جمله منابع مناسب برای بررسی پیشینه پیدایش خدایان اسطوره‌ای و سمبل‌های تاریخ کهن بوده و طی پژوهش حاضر تلاش شد است سمبل‌ها و اساطیر ایران طی دوره هخامنشی تا آخر ساسانیان و قهرمانانی که مذهب باعزت و مصداق وطن‌پرستی بوده‌اند، تعدادی از دانشمندان وطنی که افتخار آید، اند و در راستای آن بخشی از سمبل‌ها و اسطوره‌های تمدن هند با توجه به منابع موجود و شناسایی و گردآوری و معرفی شوند. انسان برای بیان مضامین دینی و اسطوره‌ها و فائق آمدن بر شکاف بین بخش خودآگاه و ناخودآگاه ذهن خود و درک بیشتر از وقایع گذشته و چگونگی رابطه آنها با اسطوره‌های حال، به نماد و نمادپردازی و چرایی و پستی؟ اسطوره نیاز دارد. نماد در صور مختلفی چون رؤیا، قصه عامیانه، اسطوره، شیء عینی، فوق طبیعی و هنر ظاهر می‌شوند.

در معماری کاربرد نماد از همه هنرها قوی‌تر است که در قالب تندیس حاوی پیامی است و نمود پیدا می‌کند. در اینجا باید بگویم بی‌دلیل نیست که دولت خودخوانده اسلامی «داعش» مبادرت به تخریب تندیس‌ها و نمادها و آثار فرهنگی کرده است.

البته مشترکات معنایی کهن الگوها در ناخودآگاه جمعی انسان‌ها وجود دارد و با نگاهی به گذشته نیاکان و به منبع اسطوره‌های جهانی و نمادها است، که می‌توان به درک پیام و مفاهیم کهن الگویی و تجلی آن در فرهنگ‌ها و اعتقادات گذشتگان که از طریق نمادها مشاهده نمود. در اینجا بد نیست که اشاره‌ای داشته باشیم به پاکسازی و

تخریب هدفمند نمادها و تندیس‌ها و آثار فرهنگی توسط داعش، دولت خودخوانده اسلامی که در کشور عراق و سوریه و بخشی از آفریقا ظهور کرده و دقیقاً همان کاری است که در گذشته مهاجمین بی تمدن و بی فرهنگ با ایران انجام داده‌اند.

اهمیت بحث در نمادها

همانطور که از تعریف نماد و قدرت تداعی معانی آن نتیجه می‌گیریم در رابطه با نقش و اهمیت نمادهای دینی و مذهبی باید به اهمیت این اثر و ویژگی مهم پردازیم. (۱) یکی از نتایج و اثرات مهم تداعی معانی، تبادل سریع پیام و انتقال اندیشه و مفاهیمی است که به واسطه تصور و تداعی معنایی مورد نظر این تبادل و انتقال صورت می‌گیرد و مطابق با تصور و درک معنای مورد نظر به مفهومی که از آن حاصل می‌شود پی می‌برد و مقصود در مطالعات حاصل می‌شود. از آن جا که شعائر دینی دارای معانی پر رمز و راز و حامل معانی رمزی است، در بردارنده و حاوی نکات و پیام‌هایی است که در اثر تجلی آنها این تبادل به خوبی برقرار می‌شود و ذهن بلافاصله از یکی به دیگری منتقل می‌شود.

(۲) یکی از اثرات دیگر قدرت تداعی معانی، شکل‌گیری و احیاء فرهنگی است که با ظهور و هویدا شدن نمادها و شعائر دینی و غیر دینی حاصل می‌شود و تمدن و فرهنگ و جامعه دینی بر پایه آن استوار می‌شود.

(۳) با تداعی معانی که به واسطه نماد صورت می‌گیرد، بهترین تصویر ممکن برای چیزی به واسطه آن به دست می‌آید و در مورد چیزهایی که نسبتاً ناشناخته است و نمی‌توان آن را به شیوه‌ای روشن‌تر نشان داد در قالب تصویرسازی در ذهن و تصویرپردازی این کار سهل و آسان می‌شود.

جایگاه نمادها

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که فرهنگ‌ها و عقاید مختلفی در آن به چشم می‌خورد. در تمامی این فرهنگ‌ها مواردی مشاهده می‌شود که گویی سرچشمه‌ای واحد دارد. در این دنیا ما می‌بینیم که داستان‌های مشابه بسیاری در فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های آن به چشم می‌خورد. همین طور مسائل دیگر و جزئیات دیگری، یکی از

این جزئیات شاید اعداد باشند. یکی از معروف‌ترین اعداد عدد هفت می‌باشد که در تمامی جهان کم و بیش، آن را عددی مقدس و خوش‌یمن می‌دانند. همین طور عدد سیزده عددی می‌باشد که در جهان آن را عددی شوم و بدیمن می‌دانند. اعداد دیگری که در فرهنگ‌ها و عقاید مختلف می‌توان آنها را دید عدد شش و عدد دوازده می‌باشد. یکی از اعدادی که عددی مقدس به شمار می‌آید و قابلیت همگانی پیدا نموده است، عدد هفتاد و دو می‌باشد. این عدد را می‌توانیم در جای جای فرهنگ‌ها و خواستگاه‌های عقاید ببینیم که بیشترین حضور این عدد در منطقه ایران و بین‌النهرین می‌باشد. جریب تقدس این عدد را شاید بتوان این‌گونه عنوان کرد: عدد هفتاد و دو از ضرب دو عدد شش و دوازده به وجود می‌آید، چون هم عدد شش و هم عدد دوازده از نمادهای باستانی ایران باستان^۱ می‌باشد. در حقیقت تقدس این اعداد «شش و دوازده و هفتاد و دو» هنوز دم کار است.

حال می‌بینیم که عدد شش را عقیده‌های باستانی نماد وحدت اضداد (وحدت دو موجود مخالف هم) و موجود برجسته بوده و همین طور به معنی عشق و تندرستی همراه با بار معنوی. از طرف دیگر عدد دوازده یک دایره کامل بوده و نشانه نظم کیهانی است. پس با ادغام نظم کیهانی که هم معنوی می‌باشد و هم ظاهری با عشق و تندرستی و وحدت نرینگی و مادینگی عدد شش کامل به وجود می‌آید که تمام خصوصیات کامل بودن را برخوردار می‌باشد.

یکی از نتایج مهم وابسته بودن فرهنگ، تمدن و مکاتب به شاعران، نمادهای دینی

۱. عدد مقدس ۶ در فرهنگ ایران باستان به ویژه دوره مهرپرستی با شش (۶) رها که نام شش فرشته آسمانی هستند، آغاز می‌گردد و شش ادیت‌ها که نام شش خدایی هستند که در آسمان زندگی می‌کنند و همین‌گونه است عدد دوازده که شامل دوازده نیروهای مجردة ماورائی مقدس (اپ‌سرها و ادیت‌ها هر گروه با احتساب خدای خدایان می‌شود هفت) که این نمادهای دوازده مقدس در آیین زرتشتی نیز با اندکی تغییر نام تحت نام (۱۲ امشاسپندان) در تقویم زرتشتی دیده می‌شوند، همین‌گونه است عدد و یا نماد مقدس ۷۲ هفتاد و دو که نام هفتاد و یسناها در کتاب مقدس اوستا است و هفتاد و دو یاران حضرت زرتشت که در آتشکده بلخ در حال نیایش و عبادت به دست نیروهای مهاجم تورانی به شهادت نائل گردیدند و نیز پنج آتش مقدس در کتاب اوستا و همین نمادها رفته رفته با نام‌های دیگر به ادیان ابراهیم از جمله دین شیعه نفوذ پیدا کرده است...

و مذهبی و فرهنگی است که بدون در نظر گرفتن آنها، شعائر، مکتب و فرهنگ پویا محقق نخواهد شد و جریان اندیشه در آن شکل نخواهد گرفت.

بنابراین برای شکل بخشیدن به یک جریان منسجم فکری که ناشی از فرهنگ و تمدن به وجود آمده و بخشی از توسعه نمادها و شعائر ملی و دینی است، مستلزم اقبال عمومی و جایگاهی برجسته است. بلاشک فرهنگ هر جامعه متأثر است از کارکردها و عملکردها و باورهای آن جامعه که گاهاً همان باور نهادینه و مقدس و مبدل به نماد می‌گردد. همانند یک مسجد و یک معبد و یا یک زیارتگاه و یا یک اسطوره که پیامی نیک و برجسته داشته و به واسطه کارکرد و تأثیر پیامش همانند (منشور حقوق بشر کوروش که مبدل به نمادی بین‌المللی شده) و در پی اقبال عمومی مورد توجه و اهمیت قرار گرفته و جایگاهش برجسته و مقدس شده و در این صورت است که نمادها توسط جامعه ساخته می‌شوند.

معرفی نماد آرم نشانه و لرگر

در طول تاریخ از نماد، که نوعی علامت واجد هویت بصری است، به عنوان ابزاری برای ایجاد ارتباط استفاده شده است. تصور بر این است که انسان پیش از تاریخ با خراش دادن و ایجاد نقش بر دیوار غارهای آسمان در اسپانیا و لاسکو در فرانسه تلاش مصرانه داشته تا از این طریق به دیگران علائم خطر یا آگاهی و یا پیامی دهد و یا پیام‌های دیگری را انتقال دهد. باستان‌شناسان لوازم و ابزارهایی را از یونان باستان یافته‌اند که بر آنها نقوش و علائم نمادینی نقش بسته که احتمالاً معرف خالق آنها بوده است.

بر تابوت‌های مصری نیز نقوش نمادینی حکاکی شده است که احتمالاً نشان از هنرمند خالق آن دارد. در جوامع قرون وسطایی بازرگانان و صنعتگران برای مشخص کردن کالاها یا محصولاتشان از علائم و نمادهای خاصی استفاده می‌کردند که شناساگر آنها بود.

چاپگران آخر سده نوزدهم میلادی نیز که به مهارت‌ها و استادی خود فاخر بودند، بر روی تمامی چاپ‌هایشان نقش‌های نمادین را به صورت حرف نشانه یا امضاء چاپ می‌کردند که معرف حرفه و صنعتگری آنان بود. در آغاز سده بیستم نیز

گاوچرانان آمریکایی برای مشخص کردن مالکیت دام‌های خود از علائم انحصاری استفاده می‌کردند. در واقع آنها از نوعی زبان تصویری استفاده می‌کردند که سابقه آن به مصریان باستان و دیگر مناطق برمی‌گردد.

طی دوره رکود اقتصادی در آمریکا، کارگران دوره‌گرد، یا در واقع پیشه‌ورانی که بیکار شده بودند، یک نظام ارتباطی تحلیل و کاربردی را ابداع کردند. آنها علائم و نشانه‌هایی بودند که بر دیوار خانه و ساختمان‌ها رسم می‌کردند. مثلاً گویای خطراتی بود که کارگران دوره‌گرد را تهدید می‌کرد یعنی درست شبیه به روشی که انسان غارنشین از تصاویر حط استفاده می‌کرد. دو دایره و یک خط رابط بین آنها شناساگر باتوم و معرف این هشدار به دکه پلیس اینجا خشن و متخاصم است. این نشانه به دیگران هشدار می‌داد که هر چه زودتر محله را ترک کنید. رسم چهار خط افقی بر خانه، به این معنا بود که اگر در سگ سز چوب به مالک خانه کمک کنید یک وعده غذا به عنوان دستمزد دریافت خواهید کرد.

همچنین طراحی نشانه به پاس هر کار هنرمندانه دیگر، کوچک‌ترین تغییر در شکل و فرم‌ها به دلیل خلاصه بودن و محدودیت آنها، سبب ایجاد ویژگی‌ها، فضاها و روحیه‌های جدیدی در نقش می‌شود و تفاوت‌های متعدد اجزای قدیم و جدید را به وجود می‌آورد. توجه به چنین ظرافتی نه تنها باعث گسترش ارزش‌ها و ابعاد کیفی موضوع می‌شود، بلکه ظرایف فنی و ریزه‌کاری‌های هنرمندانه را از محدوده اختصاصی حرفه بیرون آورده در سطح فرهنگ عمومی مطرح می‌کند و باعث تعمق بیشتر عمومی می‌گردد. سلیقه‌ها را حساس‌تر می‌کند، شناخت را تسهیل می‌بخشد و محدودیت دیدن مو را تا گستردگی پیچش موبسط می‌دهد و بالاخره رضایت داشتن یک طرح خوب را به نقشی بدل می‌کند که پیامی و یا بیانی تصویری، اندیشه‌های زیبایی را در آن متبلور کرده است.

هر ملتی شاخ و برگ درخت کهن‌سالی است که میلیون‌ها سال ریشه در عمر و دانش و تجربه ارزنده دارد و این دانش و تجربه آن گذشتگان است که چراغ راه آیندگان قرار گرفته و می‌گیرد. اگر اندکی بیاندیشیم درخواهیم یافت که دشمنان این آب و خاک هر کدام پس از تسلط و سیطره خود بر این مرز و بوم تلاش کردند که گذشته این ملت را همانند تاریخ و تمدن و نمادها و باورهای نیک و رفتاری اخلاقی (پندار نیک و گفتار

نیک و کردار نیک) را به هر شکل ممکن پاک کنند، که در بخشی از این پاکسازی موفق شدند.

دشمنان خوب می دانستند که هر ملتی که دارای بن وریشه ای استوار باشد محال است که پیشینه خود را به این سادگی رها نماید. به همین دلیل بود که اقوام مهاجم بلافاصله پس از ورود برای بقاء خود تصمیم به زدودن آثار و محو نابودی همه نمادهای ایران گرفت که این تخریب و ویرانگری با سوزاندن کتب علمی و تاریخی و آثار و نمادها محقق گردید، زیرا اگر این پاکسازی اتفاق نیافتاده بود تداوم حاکمیت غاصبان ممکن نبود.

بایهم است که هر انسان صاحب اندیشه ای مرتب رو به سوی تکامل و یا بهتر شدن داشته باشد. به سوی پست رفت!!! بر این پایه، مرتب همه داشته های گذشته و موجود را مورد انبیا قرار می دهد و طبیعی است که در هنگام ارزیابی بهترین گزینه را برگزیند، چون انسان ذاتاً طالب پیشرفت و بهتر شدن است و برای پیشرفت خود حتماً آن گزینه بهتر را انتخاب خواهد نمود تا آینده ای بهتر و روشن تر را برای خود رقم بزند، علی الخصوص بهره گرفتن از تجربیات گذشتگان که نیاکانش با هزاران سختی تجربه کرده باشند و به عنوان میراثی بیه اند و گران بها برای آیندگان باقی گذاشته باشند. قدر مسلم است که رها نمودن چنین میراث درخشانی که از هر جهت پیشرو و ارزنده بوده است و حاوی حقوق برابر و مدیعی پیشتر مانند (منشور حقوق بشر کوروش کبیر) را برای همگان اعم از زن و مرد و سیاه و سفید بنیان گذاشته و پیشکش کرده باشد، رها کردنش دور از منطق بوده است.

تخریب نمادهای ملت شکست خورده و جایگزین نمودن نمادهای جدید: تجربه تاریخی نشان دهنده این است که قوم غالب به جای بهره گرفتن از نماد و فرهنگ پیشرفته تر که تسامح و تساهل و مهرورزی در او نهادینه شده است. به دلایل مختلف: ۱) شکست و نگرانی از حل شدن در آن فرهنگ و نماد برتر ۲) به خاطر فقدان نماد جایگزینی که قادر به رقابت باشد ۳) ترس از شکست فرهنگی مجبور است که پیشینه و تمدن بزرگتر و پیشرفته تر را تخریب و یا محو و نابود نماید تا هدف خود را که متضمن منافع حاکمیت او است بدون دغدغه جایگزین و تثبیت کند.

بر کسی پوشیده نیست که هنوز هم هیچ نماد و یا پیامی یافت نمی شود که قادر

باشد با نماد و یا پیام کوروش بزرگ رقابت کند. کوروش بزرگ در منشور خود می‌فرماید تا زمانی که من زنده هستم نخواهم گذاشت که مردان را تحت نام برده و زنان را تحت نام کنیز بخرند و بفروشند و می‌فرماید این رسم ننگین باید از گیتی رخت ببرند. آیا ممکن است که ملتی چنین نماد و یا پیامی را خودجوش و بدون جبر و فشار رها کند و آزادانه به سوی قوانین ضد انسانی خشونت‌گرای که یکی از نمادهایش خرید و فروش انسان‌ها است رفته و آزادانه پذیرفته باشد؟

علی‌رغم کشف و افشاء چنین سند معتبری که بیان‌کننده فرهنگ و تمدن درخشان ایران باستان است و مرتب در معرض دید همه بشریت قرار گرفته و می‌گیرد و نشان می‌دهد که کوروش بزرگ اولین کسی است که حقوق بشری را بنیان‌گذاری نموده است و این نماد و یا منشور معتبرترین سند تاریخی می‌باشد که جایی برای تردید باقی نمی‌گذارد و عملکرد مثبت کوروش بزرگ را مورد تأیید و تکریم قرار می‌دهد همچنان که همه تواریخ و حتی کتب توبه‌آمیز از جمله قرآن کریم (سوره الکهف آیات ۸۳ الی ۹۸) همسو و همانند منشور و اعمال نعال کوروش بزرگ را مورد تأیید و تکریم قرار داده‌اند.

خودباختگی‌ها : مع الوصف تبلیغات گذشته خلاف واقع و ضد ایران باستان باعث شده که گروهی از ایرانیان بی‌توجه به هم‌رازیات و مستندات موجود همانند حقوق بشر و همه آثار و مستندات موجود و کتیبه‌ها به ویژه منشور حقوق بشر او که عظمت و افتخار بشری محسوب شده حاضر به پذیرش واقعیت و جایگاه کوروش نیستند.

ناگفته نماند که این سند معتبر «منشور گلی کوروش کبیر» در سال حاضر در موزه

بریتیش لندن نگهداری می‌شود و متن آن به عنوان اولین و معتبرترین سند حقوق بشر در این کره خاکی قابلیت فراگیری و جهان‌شمولی دارد معرفی شده است و به همین دلیل در سازمان ملل به همه زبان‌های زنده دنیا ترجمه کرده‌اند و مبنای حقوق بشر در سازمان ملل قرار گرفته است.

همچنین است داستان بازشناسی کتاب اوستا که در آن کتاب‌سوزی وحشیانه نابود گردید و باعث محروم شدن ملت ایران باستان از داشته‌های کتاب آسمانی خود گردید تا اینکه پس از قرن‌های متمادی دانشمند زبان‌شناس فرانسوی به نام انکتیل دوپرون در سده هفدهم میلادی مجدداً مبادرت به ترجمه این کتاب که اسکندر گجستک از ایران به اروپا برده بود در دو جلد می‌کند و همان ترجمه سرآغاز رنسانس در فلسفه غرب شده همان قدر عرض می‌کنم که افلاطون و همه شاگردانش و همه دانشمندان پس از اوستا، ولتر، گوته، گریم، وون کلیست و نارون، ورتسمیت و شلی و نیچه با استفاده از حقایق همین کشف مهم در مقابل فلسفه پوسیده کلیسای خرافه‌پرور ایستادند و کلیسای محروم به پذیرفتن فلسفه علمی و مدرن آن زمان کردند و اکثر قریب به اتفاق دانشمندان نیز به تدریج از آنها را ذکر نمودم افتخار می‌کردند که خود را پیروان فلسفه حضرت زرتشت بدانند که بنده این موضوع را در کتاب آیین مهرپرستی با جزئیاتش نگاشته‌ام که در صورت نیاز می‌شود به کتب آیین مهرپرستی تألیف بنده رجوع نمود.

بله این‌گونه برخوردها و شماتت‌ها و رفتارهای غیر اخلاقی مغرضانه سبب می‌گردد که هر انسان صاحب هویتی برانگیخته شده احساس بی‌لیفه کند و در جهت دفاع از حق و حقوق گذشتگان خود و برای آگاهی باشندگان آتی هر چند ناچیز در حد وظیفه داشته باشد تا علاوه بر ادای دین خود، برای احیای معیارهای نیک و انسانی خداپسندانه خود هم ادای دین کرده و همچنین ضمن افشاء حقایق پوشیده مانده چراغی باشد برای آیندگان و پاسخی مستند و روشنگرانه برای مغرضان.

ضمناً با عنایت به اینکه همه معیارها و صفات مثبت هستی صرفنظر از اینکه به کدامین قوم و قبیله مربوط است همگی مرتبط هستند به ذات اقدس آفریدگار هستی‌بخش، به همین دلیل چون همه معیار و نمادهای نیک و پسندیده بدون در نظر گرفتن نام و نشان قوم و قبیله معرف صفات حسنه آفریدگارانند و اثری مثبت در پیشبرد

رفتار و اخلاق و تکامل همگان دارند مورد قبول همگان و مفید فایده برای همه قرار بگیرند در حقیقت بهترین راه و رسم انسانی بر پایهٔ انسان‌مداری استوار است همان راه و رسم کوروش کبیر است که در منشورش آمده می‌تواند مبنای پسندیده‌ای برای اخلاق‌مداری باشد، برای همهٔ دوران و همه بشریت نهادینه شود همان گونه که کوروش بزرگ در منشورش فرموده «تا روزی که زنده هستم و مزدا پادشاهی را به من ارمغان می‌کند کیش و آیین و باورهای مردمانی را که من پادشاه آنان هستم گرامی بدارم و نگذارم فرمانروایان و زیردستان من کیش و آیین و دین و روش مردمان دیگر را پست بشمارند و آنها را بیازارند. بنده بر این باورم اگر این نماد «منشور حقوق بشر» که بین راه و رسم انسان‌مداری کوروش است نهادینه گردد مهر و مهرورزی پر بار و اختلاف و جنگ و ستیز فروکش خواهد کرد.

در این هنگام بر ستایش را با این «ستایش‌نامه‌ام مزین می‌کنم با امید پذیرش از سوی آفریدگارم و شما خوانندگان عزیز و یار و یاروارم با نظرات خود در اصلاح نواقص و اغلاط بنده را یاری بفرمایید.

سیاس و ستایش ویژه دارم به پادشاه آفریدگارم که چنین فرصتی به من بخشید تا بخشی از دینم را در این مرحله به پایان بیاورم شاید در آگاه‌سازی و یا معرفی نمادها و اسطوره‌های میهن عزیزم به ویژه «حضرت کوروش کبیر» به فرزندان این مرز و بوم هرچند اندک اثری مثبت داشته باشد.

سیاسمند آن خدایی هستم که مهرش فراگیر بوده و در هر شریک و آفرینش است بی‌آنکه آن ذات ازلی را اول و ابتدایی باشد.

ستایشگر خدایی هستم که سرچشمهٔ مهر مهرورزی و منبع درخشش است. ستایشگر آن آفریدگاری هستم که مظهر نور است و نماد و اصولش نیکی‌هاست. ستایشگر آن آفریدگاری هستم که پیامش پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک است و این صفات نیکش بر همهٔ کاینات احاطه داشته و دارد.

ستایشگر آن خدایی هستم که ذات اقدسش بری از هرگونه نامهربانی و خشونت و تنگ‌نظری و ریاکاری است. «متن کامل این ستایش‌نامه را در پایان همین کتاب می‌شود خواند».

همچنین لازم می‌دانم به خاطر مساعدت‌ها و همراهی‌های همسر عزیزم خانم اعظم جهانشانی سیاس ویژه‌ای از ایشان داشته باشم.